



۲۰۱۷/۰۶/۲۸

ملالی موسی نظام

به جواب دانشمند خبره، آقای هاشم سدید

انتظاری موجود نیست، چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است

بعد از عرض سلام و احترامات، نوشته تان را که با مفهوم بسیار عالی تحت عنوان «انتظاری که هرگز به سر نخواهد رسید» منتشره این وبسایت ملی و خطاب به این قلم تحریر داشته اید، در حقیقت آئینه ای است از آنانی که با عقل و فراصت کامل ولی با تعصبات نا جائز و افراط گرایی آشکارا، پا بر روی همه ارزش های انسانی، اسلامی و افغانی می گذارند و در حالیکه میدانند متاع شان هیچ خریداری در بازار منطق، استدلال و شیوه وطن پرستی، انسان دوستی و البته حقایق عریان ندارد، با آهن سرد کوبیدن، وقتاً فوقتاً در انتظار هموطنان رنجور و قضاوت ملیون ها هموطن بیدار و با شعور با زورگویی مذبوحانه قلم فرسایی می نمایند.

مبرهن است که از آغاز تشکیل اولین گروه طالبان تربیت یافته در فابریکه های مدارس مغز شویی پاکستان به کمک امریکا و عربستان و گسیل دهی آنان به داخل افغانستانی که از جفای مظالم و جنایات بشری و کشتار تنظیم های جهادی در خون و آتش غرق شده بود، متأسفانه آرزوی مردم محنت کشیده از آن عصر ویرانی و جفا برای یک صلح و آسایش به جایی نرسید. اولین صدمه اجتماعی غیر قابل بخشش را طبقه اناث افغان از مظالم بی سابقه و شدید طالبان متحمل گردیدند... نه تنها معلم، متعلم و محصل نرس، داکتر، مأمور دولت و هرنوع فعال در اجتماع افغانی در منزل محبوس شد، بلکه زنان و دختران در مجموع در قید چادری، حتی برای خرید دوی فرزند مریض از منزل حق خروج را بدون «محرم شرعی» نداشتند. آیا داکتر صاحب حقوق و علوم سیاسی جناب روستار ترکی، در مؤسسات عالی تحصیل، در زمینه اداره یک اجتماع در قرن بیستم، به چنین قیودی در حق نیمی از افراد اجتماع مواجه گردیده بودند؟ آیا در همان عصر خفقان و ترس، خود حاضر به قبول و تعمیل چنان شرائطی بر خواهران، فرزندان اناث خود و فامیل خویش میگردیدند؟! اصلاً چرا در آن روزگاران رعب و دهشت، راهی وطن نگردیده و مصدر خدمتی با آن وطن پرستان اصلی؟! که واقعاً در صدد تشکیل یک افغانستان مترقی، با صلح و صفا و امنیت و سرفرازی «!» بودند، نشدند؟!!

بعد از شکست طالبان توسط قوای بین المللی و قبل از حمله و جنگ نا جائز امریکا با عراق که طالبان به پاکستان و به کوه های اطراف پناهنده شده بودند، آقای روستار ترکی و امثال شان فعالیتی نداشتند، ولی بعد از توجه امریکا به جانب عراق و بیخبری از گروپ شدن دوباره طالبان و مصرف بودجه امریکا بر علیه تروریسم «!» به پاکستان در انکشاف بیشتر مدارس افراطیت و آدم کشی، نوشته های پی در پی از خامه جناب داکتر صاحب حقوق

در جرائد افغانی در خارج به چشم خورد که مقالاتی تحت عنوان «طالب و نیو طالب» تحریر نموده و اصرار داشتند که تشکیل دوباره طالبان در حقیقت برای یک جامعه مرفه خواهد بود که نسلی از آنان با فراصت و علمیت و تحصیلات به میان می آیند و افغانستان را اداره می نمایند. البته که آن نسل طالبان هم یقین همین جوانانی هستند که بعد از مغز شویی از ورای سرحد پاکستان گسیل داده شده و افغان کشی را عالی و بدون عیب اجرا می نمایند! درین زمینه هر قدر بنویسیم کم بیان نموده ایم، صرف عرض میشود که هر توبه فرمایی که خود توبه کمتر نماید، البته که به آنچه می ستیزد، ایمان و عقیده ای ندارد. مانند همین جناب داکتر صاحب حقوقدان ما که با دوربینی از فرانسه به نظاره جنایات، کشتار و خون و آتشی که در وطن از برکت گماشتگان آی اس آی پاکستان در جریان است، مشغول میباشند.

شنیده است که قوای ناتو و امریکا در جدال برای امحای داعش و طالب با اردوی افغانستان همکار است، بلی با اشتباهات آنان هم، مردم بیچاره افغان ما صدمات استخوان سوزی را متقبل میگردند، ولی مگر در فرانسه اخبار، تلویزیون موجود نیست، در منزل جناب داکتر صاحب حقوق مگر هیچ نوع وسائل تکنالوژی انترنتی به کار گرفته نمی شود که تا از جریانات اُسفبار، کشتار های بیدریغ، قتل و آدم کشی های پی در پی افراد بشر و افغان خود ما در هر گوشه وطن به خاک و خون نشسته ما توسط طالبان، مسلمانانی به زعم ایشان «مجاهدین»، اطلاع حاصل دارند؟! یا اینکه با موجودیت یک حیات مرفه و آسایش فامیلی منزه در غرب، دیگر حیات انسان و ملت بینوای افغانستان برای جناب داکتر صاحب حقوق که اقل در زمان تحصیل به اساسات و مواد مندرجه «اعلامیه حقوق بشر» که از سال ۱۹۴۸ برای قدرمندی به کرامت انسانی و حقوق بشر در اختیار جوامع بشری قرار گرفت، آشنایی حاصل نموده باشند، دیگر ارزشی نمی تواند داشته باشد. البته شکی نداریم!

محترم آقای سدید، با شما هم نظر هستم که عقاید افراطی، روش اجتماعی نهایت مقید و اصولی را که طالبان برای یک جامعه در پلان دارند و تجربه ای هم درین بیست سال اندوخته ایم، با موجودیت باداران پاکستانی و مربیان اصول تروریستی آنان، نمی تواند برای آبادانی، تعالی، رفاه، صلح، موجودیت یک سیستم معارف برای مرد و زن افغان، اشتراک هردو جنس در پیشبرد امور مملکتی و سکتور خصوصی در افغانستان عزیز مشروع و مترقی باشد، البته این همه را جناب داکتر صاحب دقیقاً واقف هستند، ولی چون تعصب افراط گرایانه و زورگویی مجالی بر منطق و چشم دید ایشان از اوضاع باقی نمی گذارد، لاجرم حرکت دهشت افگنی، کشتار و قتل عام بیگناهان افغان را «جهاد ملی» می نامند..... یعنی این همه قتل و کشتار بیرحمانه مردم بینوای ما مبارزه و «جهاد» بر علیه کفار بوده و جنایات چنان آشکارا هم به اثر اصرار ایشان «مقاومت ملی» است!

شما جناب آقای سدید، خود حدیث مفصل بخوانید ازین مجمل.

در خاتمه دو نکته مهم را خدمت تان عرض مینمایم:

اولاً در بین ۳۰ میلیون افغان مقیم و مهاجر آنچه را داکتر روستار ترکی و امثال وی به قید قلم می آورند، به مقابل حقایق تلخ رویداد های آشکارای وطن و حوادث پی در پی و جانکاه ملتی آغشته به خون و آتش، صرف پرده از احساس و کونه نگرانی اقلیتی مانند آنانی بر میدارد که با خاک زدن به چشم حق بین مردم افغانستان و جهانیان، جای پای سیاهی در تاریخ کوچک خویش به جا میگذارند.

ثانیاً، اصلاً انتظار جواب را نباید از چنین شخصیتی که عطوفت و ترحمی بر یک ملت مظلوم و بینوا و علایقی به مقدرات یک سرزمین مقدسی که وی را پروریده و به مدارج عالی تحصیل و رفاه رسانیده است، داشت. مگر پاسخی معقول و پسندیده ای را هم میتوان با چنین افکار تاریک افراطی ای در قبال ملت مظلوم افغان انتظار داشت و سراغ نمود که روزه ای باشد به سوی انسان دوستی و حقیقت؟! هیهات و هرگز.

پایان

